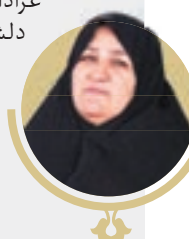


فاطمه سادات هاشمی ۳۰ سال است در ماه محرم در خانه اش، روضه خوانی دارد

بفرمایید روضه سادات



همه چیز از پخت یک شله زرد شروع شد

تاسوعای ۳۳ سال پیش، در خانه نشسته بودم و از تلویزیون محفل عزاداری در حرم امام رضا (ع) را نگاه می‌کردم. یک باره به دلش افتاد چند پیمانه برنج بردارد، شله زردی بپزد و بین همسایه ها پخش کند. فاطمه خانم تعریف می‌کند: نذری نداشتم اما دل‌م می‌خواست آن روز، کاری به نیت پنج تن (ع) انجام دهم. خیلی سریع یک قابلمه کوچک برداشتم و به اندازه چند کاسه شله زرد پختم و بین همسایه ها پخش کردم. سال بعد روز تاسوعا دوباره خاطره سال گذشته برایش زنده شد. باز هم فاطمه خانم چند کاسه شله زرد پخت و پخش کرد. پنج سالی به این شکل گذشت تا اینکه یک شب نزدیکی های ماه محرم به همسرش گفت دوست دارد مجلس روضه در خانه برپا کند؛ «به همسرم گفتم از بچگی در روضه امام حسین (ع) قد کشیده‌ام اما این بار می‌خواهم روی فرش خانه خودم از عزاداران پذیرایی کنم.»

هر سال یک قدم دیگر

همسرش با روی باز قبول کرد و این طور شد که فاطمه خانم پنج روز در دهه دوم محرم، محفل روضه در خانه اش برپا کرد؛ «سال اول، چند پرچم کوچک مشکی خریدم که یکی از آن‌ها را جلو در نصب کردم. سال بعد، چند استکان و لیوان و همچنین هر سال که می‌گذشت، وسیله ای اضافه می‌کردم. از سماور بزرگ گرفته تا چادر نماز و سجاده برای اقامه نماز جماعت. هر کدام از این وسایل را به عشق آقا امام حسین (ع) می‌خریدم و از مبلغی که در این راه هزینه می‌کردم، لذت می‌بردم.»

او درباره حس و حالش برای برپایی این محفل می‌گوید: هر قدمی که برای روضه برمی‌دارم از خریدی که می‌کنم تا جارو و نصب بیرق عزای آقا، مدام زیر لب ذکر می‌گویم و شکر می‌کنم از توفیقی که شامل حال شده است و می‌توانم در خانه ام پذیرای مهمان آقا ابا عبد... (ع) باشم.

خودم هم مهمان امام حسین (ع) هستم

در خانه اش به روی همه باز است و کسی را دعوت نمی‌کند.

نجمه موسوی زاده اهنوز دست راست و چپش را نمی‌شناخت که گوشه چادر مادر را می‌گرفت و به مجلس روضه می‌رفت. فاطمه می‌دانشست هر وقت مادر، پیراهن مشکی را از بقیچه لباس‌ها بیرون می‌آورد، یعنی محرم از راه رسیده و در خانه یکی از همسایه ها روضه است. قد کشیدن در محفل آقا ابا عبد... (ع) برای فاطمه آن قدر شیرین بود که حتی در بازی های بچگی اش چادر سر می‌کرد و از عروسک‌هایش به عنوان مهمانان روضه پذیرایی می‌کرد. بعدها فاطمه سادات هاشمی خودش صاحب روضه امام حسین (ع) شد و آن قدر به این مراسم مقید بود که حتی خانه اجاره ای هم مانع نشد که این روضه بر زمین بماند. حالاسی سال می‌شود که این بانوی پنجاه و چهار ساله در خانه اش محفل روضه خوانی محرم برگزار می‌کند و اکنون ساکن محله امام خمینی (ع) است.



شاید علتش این است که کسی را نمی‌شناسد که بخواد دعوتش کند؛ «اهل قوچانم و به خاطر شغل همسرم که ارتشی بود، ساکن مشهد شدیم. در این شهر غریبیم. کسی را برای روضه دعوت نمی‌کنم، ولی اعتقاد دارم آقا خودش مهمانش را دعوت می‌کند. خودم هم مهمان امام حسین (ع) هستم.»

همسایه ها روضه فاطمه خانم را به نام روضه سادات می‌شناسند؛ «نه تنها همسایه های کوچک خودمان، بلکه از چند

کوچه این طرف تر و آن طرف تر هم مهمان می‌آید. وقتی فهمیدند سادات هستیم، خودشان اسم محفل ما را روضه سادات گذاشتند.» برای اینکه خانم‌ها راحت تر باشند، روضه صبح‌ها از ساعت ۱۰ شروع می‌شود. بعد از خواندن زیارت عاشورا و حدیث کساء، روحانی درباره واقعه کربلا صحبت می‌کند و روضه کوچکی می‌خواند؛ در پایان هم نماز جماعت خوانده می‌شود.

فاطمه خانم روز آخر شله زرد نذری می‌پزد و پخش می‌کند؛ «چند سالی است که به جای شله زرد، دیگچه می‌پزم. از چند روز قبل همسایه ها برای کمک می‌آیند. چند نفر برنج پاک می‌کنند و روز پخت هم همراه من هستند تا دست تنها نباشم.»

محفلی به نام امام حسین (ع)

اوسال هادر خانه سازمانی ارتش زندگی کرده است. زمانی که قرار می‌شود خانه را تحویل دهند و مکانی را اجاره کنند، دلهره داشت؛ «با خودم می‌گفتم نکند صاحبخانه با خواندن روضه موافق نباشد. روزی که برای اجاره این خانه آمدم، من و همسرم گفتیم که پنج روز روضه خوانی داریم. صاحبخانه از شنیدن این حرف ما بسیار خوشحال شد و گفت برای من هم دعا کنید. آنجا بود که فهمیدم واقعا امام حسین (ع) خودش کارها را درست می‌کند.»

خانه اش کوچک و نقلی است اما در همین فضا از صد مهمان سیدالشهدا (ع) پذیرایی می‌کند؛ «طبقه اول را اجاره کردیم. سال اول که روضه خوانی داشتیم روز قبل، از دو همسایه طبقه بالاتر اجازه گرفتم. آن‌ها با روی باز استقبال کردند و در این چند سال هیچ وقت گلایه ای نداشته‌اند.»

فاطمه خانم از چند روز مانده به دهه دوم محرم، خانه اش را آب و جارو می‌کند. پارچه های مشکی را از کمد بیرون می‌آورد. استکان و قندان های مهمان را می‌شوید و آماده و مهیای پذیرایی از مهمانان مجلس امام حسین (ع) می‌شود. او تمام پنج روز جلو در ورودی می‌نشیند تا به خانم‌هایی که می‌آیند، خوشامد بگوید. او بارها از اهالی شنیده است که از این مجلس حاجت گرفته‌اند. فاطمه خانم این موضوع را نشانه نگاه و لطف حضرت به این روضه خانگی می‌داند.



روضه بی‌ریا

ایران جعفرقلی زاده یکی از همسایه هاست که هر پنج روز در روضه فاطمه خانم شرکت می‌کند. او می‌گوید: چون صبح‌ها محفل روضه برپاست، برای خانم‌ها بهتر است؛ می‌توانیم راحت به کارهای خانه و بچه‌ها برسیم. او با اشاره به اینکه خوبی این روضه بی‌ریا بودن آن است، توضیح می‌دهد: روی خوش روضه سادات است که همسایه ها را به این محفل می‌کشاند. همه می‌دانیم تاریخ روضه کی هست و باید دیدن پرچم سیاه خودمان می‌آییم.

خدمت در مجلس امام حسین (ع)

اقدس محمودی یکی دیگر از همسایه هاست که برای کمک به فاطمه خانم همیشه آماده است. او می‌گوید: از کوچک و بزرگ این محفل روضه را از آن خود می‌دانند و برای کمک، از جان و دل حاضرند. یکی چای می‌ریزد و دیگری استکان‌ها را جمع می‌کند و می‌شوید. خدمت در مجلس امام حسین (ع) سعادت است. او ادامه می‌دهد: هر وقت زائر یا فردی از من می‌پرسد «روضه کجا بروم؟»، نشانی خانه فاطمه سادات را می‌دهم؛ چون می‌دانم این روضه سادات بی‌تکبر و بدون چشم‌وهم چشمی برگزار می‌شود.

